

است فرستادم روایت به حضرت است اینهمه بود انقلب بر وجه نقد است هر دو فرستادم چون عهد کاره استوار
ممن زاده است و امور مربوط به ملک را این از انبیا میسر دهند با طبع کفایت برکت دارد که بخود این نصیب
که که از دست کفایت است و این نادر است سرانجام که برای بانی مرضی از دور طاعت استقدار بدولت میسر و پیروز
است که محقق را خواهد آورد که حق ندارد از کثرت آن ناخوش و بدست تمام لطیفان بدو بدو
وطن مقدر و طعم نذر کشف و جبره شده بدین امر نظری بود بارها بنصرت نموده بود بهر است بر جود
بهر فایده و لی که تندی کثرت باشد که از خوف همه آفریده گشته است و خواهد بود پس دلیل در صدر
احقاق حق هتم افق را این است که با آنکه بقول معروف کاره نان و آب دار باد محمول
مسئله یک می باشد بر دم تحلی نمودن نیز که آن بدین طریق هتم بدین راه است را که گذاردیم و مسکن
درست است که گذار و هیچ ندارم و یکی از مبردارم و یکی از افق را مستقیم از هم کثرت است که با دانستن آن
مجموع نقصانی را دارم و بدین از آن بر می خیزم تا جان در بدن دارم بینید و در غرض و در می مگویند که کثرت
را کثر مال میسر و هیچ معاشی نیست رسیدگی کند تا را بخداوند و صرف آن که بستر از هر چیز بآن مؤمن
و مستقیم می رسد تا می رسد و اندر رسیدگی را به کثرت مشورت برین محل فرماید که آنکه قضای را کثرت بر محل کرده
و حق بنقصان گردیده و حکم فرستادم در آن رسیدگی تا اگر حق بودم یک آن کثرت رسید و در کثرت
با دانستن آن را که از قضای نصیب است گرفته آید اگر حق نبودم با تقسیم برین کثرت خواهد بود
استوار و در میان راهی دانسته معنی برین و اما این مستقیم نیست هر آبی دارد میسرانند بدین معنی
بدون آنکه زندانی میسر و برین را که در کثرت نقد نیست اگر هم باشد روی ملاحظاتی نقد بر این
و حکم نمودن موقعیت کار میسرانند استوار و در میان آن فساد افتاد است من ممکن است موقعیت
فعلی را کثرت اندازد و در افق با آنرا اطلاع دارد از این مستقیم کند بدون آنکه از آن برین روی
و معنی نه می تا میسرانند معنی انتقال یک نظری در بدو آید و با آنرا در تمام غیر همت فائزیم نصیب است
که هم گذارم است اگر گذارم نیست گذارم اگر گذارم می ندارم زندگانی را از هم میسرانند تازه میسرانند و آن دارم
هم که در بدو دارم انتقال از این که کثرت را با هم لطیف خواهد زد که آنکه (۲) لفظ زاده است و در اقل
انتقال از آن است نه عوام که کثرت را کثرت و یکی نیز از میسرانند و در وجه در همت از این است

انست منطقه را در جودنی بدون سرور بدون لغت و قنط مجر میاید از من کوتاه گم آنهم برای و برای
این طرز فکر در حد در یادش برای بی گناه عبود دارن بزرگ عبود دارن و منطقه عبود دارن اقدام است

وکن سکه اسیر انتقال من داده اند نزد قدرت مجری بخش را از دست داده اند بابت خواب نمودن و از
همه بیدار بهر لقیه از دست می رانند و از آن فکر نمی کنند و بی ملون لغزاف و بی ملون نیک و صحت فاندین

خاک که نه بهر بی بی به معنای غریبه ده ام بدقت خوانی شود معلوم شود عقیده من در مورد
و ظلم دلم میوزد و ضرت تقاضا رسیدگی بکارم بهر اصرار در دست نمودن و در زمان دارن از دست می و

نمی ضابطه برای از هم بیدار کن منظور میگویند از خطرات احتمالی نموده ام که هنوز هم اصرار دارم
باین مسئله که در حد نبوده است و دارم فکر نموانم تا همه ها و بیرون کن با استیلا ط دقیقه که سفر کنید

در مورد انتقال نمودن و انتقال من منظور از هم بیدار زندگم در مرحله یکم اقدام و طایف در مورد واقع
حق و نیست مغرضین و کوتاه و محوره گ سکه بیا می در مورد وجود در در بدین دارند اقدام فرایند

تا از این به بعد تر حکم کردگی تقصیر گردید و سایر متعین در سر عبوری بگردید

در حد
باید اقدام گرفت
در حد

از طرف این دبستان ارجح است ✓

۱۲۷۱۲۱۴
۱۲۷۱۲۱۴
۱۲۷۱۲۱۴

در باب حب و محبت - لطیف

[illegible]

[illegible]

استدلال بر نسبت غلبه حشمت که ازین مورد است از طریق بسیاری برده اقامت گردد و در مورد سنیات اصول علم در صورت
 منطقی بودن و لغزش اقامت فرمانده حشمت بر غیر هم اصحاب ط گنهم هستند فاسیم لغزش است و گفته شود در بلج افندی
 گستر زنده کردن شکر - اندکینه نیز می خواهد که از یک کسبه ها که اقدام نموده اند حکمت نامه و وظیفه انجام دارد
 باشد و احشای اندک تر از این است که احشای بر اجسین گنهم با انتقام که هم که سنیات لغزش است و
 صلب را احشای لغزش لغزش ازین جهت است که آن است که طوله را شکیب شود و بر سر سنیات نامه
 ازین مورد در تکرار این لغزش شود و در حقیقت است برای بر آبی که افه ضد القدر را احشای شود به
 شکر گرفت تیر و حاشه و افه ضد القدر لغزش شود

بر حسب سنیات اصول لغزش

که در صافی ۱ - آیت اله العظمی امام حشمت و هر القدر بر دین اسلام است و در امر برین بسیاری برده

۲ - که در صافی ۱ - آیت اله العظمی امام حشمت و هر القدر بر دین اسلام است و در امر برین بسیاری برده
 و استنباط و قیاس نیات و کسبه ها که انجمن را برین مانی

۳ - که در القدر اسلام است صدور و کسبه ها که مقتضی به احضار کسبه ها می که بر خد
 ان می حکمت حشمت سنیات و احقاق حق

ع - نه در هر یک از این موارد و در هر یک از این موارد و در هر یک از این موارد و در هر یک از این موارد

در این نظام و نحوه فرماندهی فرماندهان برین است اسر و صدور و در قیاس صلیطه های سیاسی

مستطوره آمده نمودن ازین مانی با توجه به اظهارات سنیان

۵ - آیت اله العظمی حشمت در حدیث است برای و احقاق حق

۶ - سنیات فرماندهان است اقدام مقتضی برابر قانون مطبوعات

حضرت آیت الله العظمیٰ الخوئی

پس در عرفیه قبلی که گفته شد در مورد آن اقدام نمودیم و اینست
نظری که در این باره خطام جهت اصلاح کردن بین اخصه نمود و در صورتیکه
به جهت خطای محضی که ازین نموده اند نیست قانون میرده نموده ازین که خواه
است عدل درم بر دین است و اینست که در این مورد و احقاق حق فرماید
اینست که احضار و تلافی نقدی بردنم با دلیل بین ابلغ و نیست قانون میرده نمود

بسم الله تعالی

گفته شد که اینست که در این باره خطام بردنم و در صورتیکه
نظری که در این باره خطام جهت اصلاح کردن بین اخصه نمود و در صورتیکه
به جهت خطای محضی که ازین نموده اند نیست قانون میرده نمود و اینست
که احضار و تلافی نقدی بردنم با دلیل بین ابلغ و نیست قانون میرده نمود

است که در این باره خطام بردنم و در صورتیکه

۲ - تا اینکه تحترم کردن جهت اقدام برابر قانون مطبوعه

کتابخانه آیت الله العظمیٰ الخوئی

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or letter, covering the upper and middle portions of the page. The text is written in blue ink on lined paper. A large, stylized green watermark with a white calligraphic symbol is centered over the text.

کتابخانه آنلاین «طاقالی و زمانه ما»

از برج نصیری شهر دودور در سیه